

## قطعنامه درباره مرحله انقلاب و روش سیاسی پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک

۱ - جامعه ایران، یک جامعه سرمایه داری وابسته، تحت سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و جزئی از سیستم جهانی نواستعماریست.

با تحولات رفرمیستی اوایل دهه چهل که در رفرم ارضی و توسعه صنایع مونتاز و .... متجلی شد وجه تولید سرمایه داری بر ایران مسلط شد. فئودالیسم به عنوان یکی از پایگاه های امپریالیسم از قدرت سیاسی و اجتماعی حذف و سرمایه داری وابسته به عنوان تنها کانال تأمین منافع امپریالیسم درآمد. این تحول که ناشی از نیازهای سیستم جهانی امپریالیستی و در رأس آن ها امپریالیسم آمریکا به بازارهای جدید و نیز رشد تضادهای درونی سیستم حاکم بود، به هیچ روی در جهت منافع اساسی توده ها، بهبود وضعیت آن ها، دگرگونی بنیادی نیروهای مولد، استقلال ملی و دمکراتیزه شدن جامعه نبود، بلکه منجر به ادغام کامل تر ایران در بازار جهانی سرمایه داری و تقسیم کار بین المللی آن گردید.

وابستگی به امپریالیسم و سرمایه داری دو جزء لاینفک نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران محسوب می شوند، و امپریالیسم و سرمایه داری وابسته، اصلی ترین و نخستین مانع رشد نیروهای مولد و تکامل جامعه محسوب می گردند.

از این رو هر تحول انقلابی در میهن ما باید ناظر بر برداشتن این مانع اصلی از جلو رشد نیروهای مولد و تکامل جامعه باشد.

۲ - انقلاب ایران یک انقلاب دمکراتیک توده ایست.

نظر به عقب افتادگی نیروهای مولد، وجود اقلیت وسیع خرده بورژوازی با خواست های سیاسی و اجتماعی ... تسلط امپریالیسم و ...

نظر به ضعف عینی و ذهنی پرولتاریای ایران و نظر به این که در مجموع شرایط عینی و ذهنی برای یک انقلاب سوسیالیستی فراهم نیست، از این رو انقلاب ایران در گام اول نه یک انقلاب سوسیالیستی بلکه یک انقلاب دمکراتیک توده ایست.

انقلاب دمکراتیک توده ای ایران که با خصیصه های ضد امپریالیستی، دمکراتیک و ضد سرمایه داری وابسته مشخص می شود، سرنگونی طبقه حاکم، برانداختن سلطه امپریالیستی و کسب استقلال ملی، دمکراتیزه کردن جامعه، تأمین آزادی های سیاسی و مدنی، و رشد نیروهای مولده را هدف نخستین خود قرار می دهد.

خصلت ضد سرمایه داری در انقلاب ایران عناصر سوسیالیستی این انقلاب را تقویت می کند. پرولتاریای ایران که بنا به رسالت تاریخی خود اساساً در راه استقرار سوسیالیسم و ایجاد یک جامعه عاری از ستم و استثمار مبارزه می کند، پیگیرترین طبقه انقلابیست که منافع خود را در تحقق هر چه رادیکال تر اهداف انقلاب دمکراتیک می بیند.

پرولتاریای ایران تنها طبقه ایست که قادر است توده های وسیع زحمتکش را در انقلاب دمکراتیک توده ای رهبری کند و انقلاب را به پیروزی قطعی برساند. هیچ طبقه و قشر دیگری قادر نیست انقلاب را به سرانجام قطعی اش برساند.

۳ - انقلاب دمکراتیک توده ای ایران یک مرحله گذار به سوسیالیسم محسوب می شود و مضمون طبقاتی آن را دیکتاتوری انقلابی دمکراتیک کارگران و اقلیت پایین و میانی خرده بورژوازی شهر و روستا تشکیل می دهد.

در انقلاب دمکراتیک توده ای ایران خرده بورژوازی اقلیت میانی و پایینی شهر و روستا (دمکراسی انقلابی) متحدین پرولتاریا و لایه های فوقانی خرده بورژوازی (ناسیونال رفرمیسم و سوسیال رفرمیسم) در موضع بینابینی قرار دارند.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی آن (بورژوازی وابسته و دیگر مرتجعین) دشمنان انقلاب محسوب می گردند.

جنبش های رهایی بخش ملل تحت ستم، اردوگاه سوسیالیستی و پرولتاریای کشورهای سرمایه داری متحدین پرولتاریا در عرصه بین المللی هستند.

پرولتاریای ایران به منظور پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک توده ایران، دمکراسی انقلابی را از موضع پافشاری روی دمکراسی پیگیر پرولتری به خود ملحق میکند. ناسیونال فرمیسم و سوسیال فرمیسم را منفرد می سازد، و با در هم شکستن ماشین دولتی طبقه حاکم، بورژوازی را سرنگونی می سازد، سلطه امپریالیسم را برمی اندازد، و جمهوری دمکراتیک انقلابی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا را که مبتنی بر شوراها و مسلح کارگران، دهقانان یا دیگر تشکل های انقلابی توده ای و... می باشد، مستقر می سازد و انقلاب را به پیروزی قطعی می رساند.

در این راه، اولاً - پرولتاریا به حزب انقلابی پیشرو نیاز دارد. بدون آن پیروزی قطعی انقلاب تضمین نخواهد شد.

ثانیاً - دومین رکن اساسی تحقق اهداق و پیروزی انقلابمان جبهه واحد انقلابی توده ایست.

ثالثاً - ایجاد ارتش مسلح خلق، رکن اساسی دیگر انقلاب دمکراتیک و اجزاء لاینفک یک کل منسجم هستند که در این میان نقش عمده با تأمین و تحکیم هژمونی طبقه کارگر است که تضمین اساسی برای ادامه و تکامل انقلاب در راستای سوسیالیسم تواند بود.

مندرج در نشریه "کار"، شماره ۱۴۲ - ۱۶ دی ماه ۱۳۶۰